



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

راز اولیاء

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته،
أعوذ بالله من الشيطان الرجيم. بسم الله الرحمن الرحيم.
الصلاة والسلام على رسولنا محمد سيد الأولين والآخرين،
مدد يا رسول الله، مدد يا ساداتي أصحاب رسول الله، مدد يا مشايخنا،
شيخ عبدالله الفائز الداغستاني، شيخ محمد ناظم الحقاني، دستور.
طريقتنا الصعبة والخير في الجمعية.

که الله (جل جلاله) کسی را زیر نفس خود نزارد. نفس باعث مردم روسپاه شود. هرچی کمتر وزن روی مردم، آنها بیشتر راحت می شوند. الله عز و جل به مردم داد، به همه قدرت و ظرفیت های مختلف. آنها همه یکسان نیستند.

برخی از افراد به مدت ۱۸ ساعت، ۲۰ ساعت، یا بیشتر کار می کنند. برخی ۱۰ ساعت کار می کنند، برخی برای پنج، و برخی از آنها در دو ساعت خسته شده اند. به همین دلیل است که مردم نباید همه چیز را تلاش کرد، تنها آن که می تواند. و وزن آنها نمی توانند ادامه بدهند. این در همه چیز قبول است، در هر موضوع.

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم. بسم الله الرحمن الرحيم.

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا

"همانا ما امانت (خویش) را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه داشتیم، پس آنها از تحمل آن سر باز زدند و از آن ترسیدند، و انسان آن را بر دوش گرفت که او بسیار ستمکار نادان است." (سورة الأحزاب: ۷۲). الله عز وجل یک مژل داد. الله (جل جلاله) بشر را از این طریق توصیف می دهد به خاطر که این آسان نیست برای اعتماد آن حمل که داده.

بشر گفت: آن حمل را می توانند، چون الله (جل جلاله) به روح ها پرسید زمانی که آنها را آفرید. این اعتماد چیست؟ هنگامی که او پرسید، "من خالق شما نیستم، خدای شما، و پروردگار شما نیستم؟" همه آنها گفتند: بله. این اعتماد است، اما کسانی که این را حمل نمی کنند نادان و ستمگر هستند، چرا که آنها وعده خود را نگه نداشته اند. آنها گفتند که اعتماد کردن، اما وقتی که بارگذاری نمی کنند می افتند به صفت ستمگر.



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

آنها بسیار نادان هستند. معنای نادان چیست؟ نه فقط نادان، نه فقط نادان، اما در دورترین نقطه از جهل، به این معنی که افرادی بسیار نادان هستند. به همین دلیل فروتنی از صفات پیامبران است، از صفات های مومنین. حتی اگر مردم می گویند همه چیز به آنها، آنها تواضع نشان می دادن و می گویند که آنها همچنین انسان شبیه آنها هستند.

حضرت پیامبر (ص) در همان راه بود. یک بار کسی آمد و شروع به لرزدن وقتی که حضرت پیامبر (ص) را دید. او گفت، "بشین، نترس. همچنین من یک انسان که مادرش نان می خور هستم. همچنین من انسان هستم مثل شما، نترس." چنین شخصی بود.

اما، خضوع در مردم امروز وجود ندارد. آنها از خودشان در مکان های بالا فکر می کنند. آنها هم با مردم اینطوری درمان می کنند. هنگامی که مورد این است، مردم هم از آنها می خندند یا خود را از آنها دور نگه می دارند. هیچ راه دیگری نیست. و این یک نمونه است.

بندگان که اولیاء هستند مردم کسی است که الله می داند. هر کسی نمی آنها را می داند، آنها پنهان هستند. در گذشته اینطوری هم بود. هنگامی که راز آنها نازل شد، آنها دور از آنجا می رفتند و یا گاهی اوقات آنها بلافاصله به آخرت می رفتند. آن هم سرنوشت الله (جل جلاله) است که نمی خواهم راز آنها نازل شود و دیده بشوند.

آنها ادعا نمی کنند می یک ولی هستم، قطب، و یا چیزی. بزرگترین مثال شیخ ما است، پدر ما، حضرت شیخ ناظم (قدس الله سره). او هرگز مطلق کلمه ادعا نکرد که او این یا یک والی است. اما آن را از حالت خود مشهود است. آنها بیشتر از زمان ناشناخته هستند. آنها بین مردم هستند، اما ناشناخته.

شمار آنها روی زمین شناخته شده است. هر زمان که یک والی می رود به آخرت، شخص دیگری می آید در جای او. ۱۲۴۰۰۰ اولیاء وجود دارد. تعداد جمعیت در گذشته کمی بود و به طوری که آنها به نظر می رسد که بیشتر بودن. آنها همچنین کمی آشکار تر می شود. با این حال در حال حاضر میلیاردها نفر از مردم وجود دارد. این ۱۲۴۰۰۰ حتی یک در هزار نیست.

به همین دلیل است که هر کس می خواهد یک اولیاء پیدا کردن باید برای آنها را بپرسد. آنها به کسانی که برای آنها درخواست نمی کنند، ظاهر نمی شوند. حتی دیدن آنها هدایت برای شما است. هنگامی که نگاه آنها روح کسی است، آن می تواند وسیله ای برای راهنمایی بشود. الله بهتر می داند. این حکمت الله (جل جلاله) هست. چون الله (جل جلاله) همه چیز وسیله کرد، وسیله ای برای یک چیزی. این تصادفی نیست. آن به معنای کسی را هدایت می شود، الله (جل جلاله) یک طریقی انجام می دهد که آن شخص بشناسد آن بنده محبوب او، ولی او.



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

اولیاء بسیاری از درجه ها دارند، سطوح مختلف دارند. برخی از کسانی که در میان اولیاء هستند حتی نمی دانند که آنها اولیاء هستند. آنها تنها آن را می فهمند در آخرت. واسه چی؟ چونکه والی یعنی دوست الله (جل جلاله)، بنده محبوب الله (جل جلاله). پس از آن تبدیل شدن به یک والی به صاحب معجزه انجام دادن نیست، اما کار می کنند برای تبدیل شدن به بنده محبوب الله (جل جلاله) و رسیدن به این درجه. آنها به آخرت هم می گذارند در آن راه. الله (جل جلاله) آنها را به درجه ها می رساند و سطح در آخرت.

حتی اگر آنها خود را در این دنیا نمی دانم، آنها مهربونی را در اطراف گسترش یافته اند، آنها مهربونی را در اطراف گسترش یافته اند، و بیرون دادن نور و روشنگری. آنها تبدیل شدن اکثر اوقات به یک افراد که گسترش هدایت می کند. آنها راه حلی برای مشکلات گسترش شدن. دعاها آنها قبول می شوند.

می گوید: "لا یشقی جلیسهم"، برای کسانی که دسته به آن افرادی رسیدن و آنها را دیدن. کسانی که با آنها می نشینند ادامه نمی دهند راهزنی. معنی راهزنی که آنها یک پایان بد ندارند، آنها یک پایان خوب به دست می آورند.

همانطور که گفتیم، اولیاء درجه دارند. ابدال (جایگزین)، الٰخیار (تک انتجاب شده)، چهل، هفت نفر، سه همه جدا هستند و قطب، الغوث (کمک کننده). و الله (جل جلاله) می داند که چه کسانی هستند. قطعاً آنها همیشه هستند. آنها نیستند مردم که شما و من بدانیم. در حال حاضر الله (جل جلاله) می داند که چه کسانی هستند. اکثر اوقات، همانطور که گفتیم، آنها پنهان هستند.

برای هیچ کسی خوب نیست به توجه به فکر خودش بگوید، "این قطب است، این الغوث است." آن کسب و کار ما نیست که دخالت در این چیزها کنیم. اجازه دهید ما ذهن در کسب و کار خود بماند. که دعا این افراد با ما باشند. هیچ ادعا نمی کنیم. گاهی اوقات برادران ما (اخوان) نوشتن برخی از چیزهایی و انجام کارهای، اما ما هیچ ربطی با آن نداریم. اگر ما تبدیل شدن به بنده محبوب الله (جل جلاله)، این بزرگترین لذت برای است.

هیچ ادعایی در هیچ درجه نمی گویم. ادعای کردن هوشمند نیست، همانطور که گفتیم، به بار بردن وزن. به همین دلیل است که هیچ ادعای نمی کنیم. کسانی که ادعا می کنند، با خودشان می سزن. کافی است برای ما بنده الله (جل جلاله) بودن. که الله (جل جلاله) اطراف ما جمع افراد خوب بگذرد.

چگونه خوشحالم هم می کرد اگر ما می توانیم وسیله ای هدایت برای افراد که مانده از شیخ ما، مولانا شیخ ما (قدس الله سره). هیچ ادعا، هیچ بیانیه ای، در اینجا. بیانیه ما است، انشاءالله، معرفی کردن به مردم راه که الله (جل جلاله) دستور داده، راه که پیامبر (ص) نشان داده، و راه واقعی اسلام.



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

راه ما عشق به الله (جل جلاله) است، عشق به پیامبر (ص)، عشق به اهل بیت (ع)، و عشق از اصحاب (صحابه). هیچ تمایز وجود ندارد. انشاءالله، کسانی که قسمت هست بیایند. راه های دیگر بسیار درخشانتر هستند، آنها تبلیغات بیشتر دارند و چیز های بیشتر، این ها و آنها را دارند. کسانی که مایل دارند، می توانید به هر جا که آنها دوست دارند بروند.

ما هیچ ادعای دیگر نداریم. ما برای علاقه صحبت می کنیم (از صمیم قلب). جریان این هست، و این راه پیامبر (ص) است، راه نقشبندی ماها. راه نقشبندی ماها. این راه درست است، راه منجر به الله (جل جلاله) انشاءالله. این چیزی است که ما قول می دهیم، به دلیل که آن وعده الله (جل جلاله) است.

"أَل هَلَل الدین الخالص". ما واقعی و متعهد به الله (جل جلاله)، هیچ چیز دیگری وجود ندارد. انشاءالله آن را ادامه و مردم خوب بیایند. که افرادی که به راهنمایی رسیدن همینطور بیایند. درب ما برای همه باز است، و هر کس بخواهد می تواند بیاید. انشاءالله یک قسمت دارند، که آنها قسمت خود را دریافت کنند و به شادی انشاءالله برسند. ان شاء الله الله (جل جلاله) یاور ما باشد.

و من الله التوفیق.
الفاتحه

حضرت شیخ محمد محمت عادل
۲۱ ربیع الأول ۱۴۳۷، درگاه اکبابا، فجر